

بررسی عوامل کم رنگی غیرت مردان نسبت به همسران براساس اخلاق

اسلامی

نفیسه جعفرزادجفائی^۱

چکیده

«غیرت» فضیلتی اخلاقی است که انسان را به دفاع از ناموس و خانواده، دین و آیین و هم چنین مال و وطن سوق می دهد. «غیرت» به معنای: حمیت، رشک و حسد مردانه و دفاع از چیزی محبوب، در برابر هرگونه تجاوز بوده است. علمای اخلاق، غیرت را که نتیجه شجاعت و بزرگی و قوت نفس است، از امور فطری و غریزی انسان شمرده اند. روان شناسان نیز آن را یک نوع حس درونی می دانند که از احساسات و عواطف نشأت می گیرد و تغییرات بدنی را به دنبال دارد و عواطف را سبب می شود. ریشه ی غیرت را حضرت علی (علیه السلام)^۲ شجاعت، ملا احمدنراقی شجاعت و قوت نفس، علامه طباطبایی فطرت، شهید مطهری احساس و عاطفه بشری می دانند. در مقابل غیرتمند به کسی که نسبت به این محترمت و حریم ها بی مبالا باشد و برایش تفاوتی نداشته باشد که با دین و وطن و ناموس او چه می کنند بی غیرت می نامند. در این پژوهش، غیرت به غیرت دینی و ملی و ناموسی تقسیم شده است. عواملی که موجب کم رنگی غیرت می شوند: عدم اعتماد به نفس، تربیت نکردن خود و نفس، گوش دادن موسیقی و تماشای فیلم های مبتذل، اختلاط و نگاه و شوخی بین زن و مرد نامحرم، حرام خواری و خوردن گوشت خوک، اعتیاد و شراب خواری، جهل به دستورات دین، منفور جلو دادن غیرت و هم نشینی با افراد بی غیرت و نیز کمبودهای شخصیتی نام برده شده است.

کلیدواژه ها: غیرت، بی غیرت.

^۱ سطح ۲، عمومی، مدرسه علمیّه صادقیه. n_jafaradz@yahoo.com

مقدمه

بررسی متون دینی، به عنوان مبنای اعتقادات مسلمانان و ریشه‌ی بسیاری از اندیشه‌های رایج در میان دین‌داران را آشکار می‌سازد. یکی از مسائلی که باید بخاطر آن متون دینی را بازخوانی کرد مسئله‌ی غیرت است.

غیرت یکی از کمالات انسانی است که خداوند متعال، اسباب آن را در وجود آدمی نهاده است. و این لازمه‌ی انسانیت و مخصوصاً ایمان و پرهیزگاری می‌باشد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيُغَرِّ مَنْ لَا يُغَارُ فَإِنَّهُ مَنَكُوسُ الْقَلْبِ؛ خداوند برای مؤمن، غیرت می‌ورزد، پس او نیز باید غیرت آورد. هر کس غیرت نرزد، قلبش وارونه است»^۱. خداوند متعال جامع کمالات و صفات می‌باشد و از هر صفت خود، نمونه‌ای در وجود انسان قرار داده است. یکی از این صفات غیرت می‌باشد. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: «خداوند غیور است و هر غیرت‌مندی را دوست دارد»^۲.

وجود غیرت در جامعه‌ی انسانی تا آن‌جا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریع احکام نیز به آن عنایت داشته است. رسول خدا (صلی الله علی و آله) فرمود: «آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ کس غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت، زشتی‌ها را حرام کرده است. بر همین اساس، خدا به هر غیرت‌مندی، نظر لطف و مرحمت دارد»^۳. از آن‌چه گذشت، به اهمیت و ضرورت غیرت پی برده می‌شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که انسان با شنیدن واژه‌ی غیرت، ناموس و حریم خانواده در ذهنش تداعی می‌شود درحالی که مرز غیرت از این حد فراتر است و انواع دیگری هم دارد و آن غیرت دینی و ملی است که اهمیت آنها نیز از غیرت ناموسی کم‌تر نمی‌باشد.

غیرت ورزی مردان، ابزار کارآمد برای کنترل اجتماعی و حمایت از خانواده است که با وجود آن، زنان از نگاه هوس‌بازان جامعه در امان می‌مانند. مرد پاسدار حرمت و کرامت زن است و زمینه‌ساز این پاسداری از نوامیس، ویژگی و مسئولیت‌هایی است که خداوند در مردان قرار داده است. هرچه مرد بر کمالات انسانی خود بیفزاید، بر معرفت و غیرت او افزوده می‌شود. اهمیت غیرت به خاطر این است که هر کس خانواده‌ای داشته باشد و پاک تشکیل شده و پاک

^۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۵.

^۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱۱، ص ۲۳۱.

^۳. کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

بماند، خانواده‌ی دیگران را نیز ناپاک نکند و از آلودگی نسل بشر به فساد و انحراف جنسی جلوگیری نماید. در حالی که برعکس، بی‌غیرتی باعث از هم پاشیدگی خانواده و از بین رفتن امنیت اجتماعی و تداخل نسل‌ها می‌شود. سست غیرتی مردان موجب سستی حیا و عفت زنان و نیز به نمایش گذاشتن زیبایی‌ها و زینت‌های خود در برابر نامحرمان می‌شود.

بنابراین به جهت تأمین امنیت و آرامش خانواده و جامعه‌ی اسلامی باید صفت غیرت را که به عنوان امر فطری در نهاد همه‌ی انسان‌ها قرار داده شده است، به واسطه تربیت صحیح که عامل شکوفایی فطرت است پرورش داده شود. غیرت در طول تاریخ در زندگی انسان‌های وارسته و برجسته‌ای چون پیامبر اکرم (صلی الله علی و آله) و امامان معصوم به عنوان الگوهای رفتاری ما به خوبی روشن است، به عنوان مثال، در رابطه با پیامبر اکرم (صلی الله علی و آله) که به فرموده‌ی خدای متعال ایشان اسوه‌ی حسنه برای ما انسان‌ها می‌باشند، در تاریخ آمده است که ایشان فرمودند: «كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمُ غَيُورًا وَ أَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ؛ پدرم ابراهیم خلیل بسیار غیرتمند بود و من از او غیرتمندتر هستم. و خداوند بینی کسی را که اهل ایمان است، ولی غیرت ندارد، به خاک بمالد.»^۱

با توجه به مطالب و اهمیتی که صفت غیرت در اجتماع و خانواده و نسل‌ها دارد به این مطلب باید توجه شود که علت کم‌رنگی غیرت در مردان به ویژه نسبت به ناموس خود چیست؟ مردان چرا از بی‌عفتی و بدحجابی همسران خود ناراحت نیستند و اهمیتی به این مسائل نمی‌دهند؟

در این نوشتار اول به تبیین واژه‌ی غیرت و بی‌غیرت پرداخته و ریشه‌ی این صفت بررسی شده و انواع غیرت را شناسانده، و عواملی که باعث کم‌رنگی غیرت مردان نسبت به همسران خود می‌شود، بازگو شده است. تا انسان‌ها به این ناملایمات تن ندهند و از آن‌ها دوری کرده و در دام شیطان و کسانی که آن‌ها را به این رزایل شیطانی می‌کشانند، گرفتار نگردند. با شناخت این عوامل بتوانند آن‌ها را در مدینه فاضله‌ای که مد نظر دین و آیین اسلام و سعادت بشر است را کسب کنند.

^۱. کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. غیرت

«غیرت» در لغت به معنای: رشک و حسد مردانه و سرشار از صفات آن است و در تداول فارسی زبانان به معنای حمیت و محافظت عصمت و آبرو و ناموس و نگهداری عزّت و شرف آمده است.^۱ واژه غیرت به فتح (غین و را) در لغت به معنی حمیت و غضب، ناموس پرستی و رشک بردن است و به انسان بسیار غیرتمند و ناموس پرست (غیور) می گویند.^۲ غیرت و حمیت در لغت، شدت حرارت و علاقه و تعصبی است که از لطافت باطن سرچشمه گرفته و در دفاع از حریم شخصی به کار می رود.^۳ راغب در مفردات می گوید: «عرب از نیروی غضب وقتی فوران کند و شدت یابد تعبیر به (حمی) می کند، می گوید: «حمیت علی فلان» یعنی علیه فلانی سخت خشم کردم. خدای تعالی هم این کلمه را به معنای خشم آورده و فرموده: «حَمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ»^۴ و به استعاره از همین معنا است که می گویند: «حمیت المكان حمی»، یعنی از مکان دفاع کردم و یا آن را حفظ کردم.^۵ طریحی می نویسد: «الغيرة نَفَره طَبِيعِيه تَكُونُ عَنْ بخل مُشَارَكِهِ الْغَيْرِ فِي أَمْرٍ محبوب له» غیرت به معنای نفرت انسان از مشارکت دیگران در امور مورد علاقه اش است. از نظر وی، غیرت به معنای دفاع از چیزی محبوب در برابر هرگونه دستبرد و تجاوز است.^۶

غیرت در اصطلاح علمای اخلاق عبارت است از: «سعی در محافظت آن چه نگاهبانی آن لازم است؛ از دین و آبرو و شرف و ناموس و اموال و اولاد که نتیجه شجاعت و بزرگی و قوّت نفس است و از ملکات شریف و نقاط قوت شخص به حساب می آید و مردانگی به آن تحقق یافته، فاقد و بی مایه از آن، از جرگه مردان به دور است.»^۷ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گفته است: «غیرت عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال؛ به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس و یا جاه و

^۱ دهخدا، فرهنگ لغت دهخدا، نر افزار فارسی.

^۲ نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶۶.

^۳ مصطفوی، التحقيق فی الکلمات القرآن، ص ۱۵۸.

^۴ فتح: ۲۳.

^۵ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۱۳.

^۶ طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۲.

^۷ نراقی، معراج السعاده، ص ۲۲۱.

امثال آن تجاوز کرده، از جای خود می‌کند. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی‌بهره نیست. پس غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که براساس فطرت تشریع شده و امور فطری را تعدیل می‌کند. پس آن اموری که در حیات بشر لازم و ضروری است، را معتبر و واجب می‌سازد و آنچه غیرضروری است، حذف نموده و از اعتبار می‌اندازد»^۱.

غیرت در اصطلاح روان‌شناسی یعنی: اظهار نگرانی از اینکه، آنچه مال خودش می‌داند به تصرف دیگران درآید.^۲ برخی نیز آن را یک نوع حس درونی می‌دانند که از احساسات و عواطف نشأت می‌گیرد و تغییرات بدنی را به دنبال دارد و هیجان‌ها و عواطف را سبب می‌شود. یعنی آنچه احساس می‌کنیم ادراک این تغییرات بدنی است؛ و آن را حسادت عشقی و یا حسادت جنسی می‌نامند. باید توجه داشت که ریشه غیرت از تغییر و تغیر می‌باشد و در علوم رفتاری نیز یک نوع تغییرپذیری و ناپایداری هیجانی عاطفی منجر به حالت هیجانی پیچیده می‌شود که شامل احساس نفرت و رنجش است و هدف خاص آن تملک یک چیز محبوب است؛ اعم از این که این چیز محبوب، یک زن یا شخص دیگر یا قدرت یا شهرت یا ثروت باشد و به معنای رشک و حسادت ترجمه شده است. که با توجه به تعریف آن به نظر می‌رسد مترادف غیرت در فارسی باشد.^۳

شهید مطهری نیز در پاسخ راسل که غیرت را صفت ممدوحی نمی‌داند و ریشه آن را بخل و امساک و خودپرستی و حاصل آن را حسادت مردانه معرفی می‌کند، ریشه حسادت و غیرت را متفاوت می‌داند. ریشه حسادت خودخواهی و از غرایز و احساسات شخصی می‌باشد؛ ولی غیرت یک حس اجتماعی و نوعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت، نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر نهاده است. دیگر اینکه حسادت امری شخصی و فردی و ناشی از یک سلسله عقده‌های روحی است؛ ولی غیرت یک احساس و عاطفه نوع بشری است. ایشان غیرت را احساس خاصی می‌داند که قانون خلقت برای تحکیم اساس زندگی خانوادگی که یک زندگی طبیعی است نه قراردادی، ایجاد کرده است.^۴

^۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۸۰.

^۲. شکیبافر، دائرة المعارف روانشناسی، ص ۲۰۶.

^۳. شعاری نژاد، فرهنگ و علوم رفتاری، ص ۲۱۳.

^۴. مطهری، مسئله حجاب، ص ۴۷-۴۳.

فرد بی غیرت انسان را نسبت به پوشش و عفت ناموس خویش سست کرده و بی تفاوت می گرداند.

۴-۱۲. کمبود های شخصیتی

برخی مردان به سبب احساس حقارت، درصدد بروز خود در میان افراد دیگر هستند. در نتیجه زن را مانند متاعی مادی تلقی کرده و کمبودهای شخصیتی خود را در همراه داشتن زنی آرایش کرده جست جو می کنند؛ و حتی در نشان دادن زیبایی های همسر خود به نامحرمان اصرار می ورزند تا توجه دیگران را جلب کنند. برخی از مردان نیز به سبب چشم و هم چشمی و تقلید از دوستان خود از زنان خود می خواهند بدون حجاب در منظر عموم ظاهر شوند. برخی از مردان به واسطه ی هوس رانی خود مجبور می شوند در مقابل بی عفتی همسر خود سکوت کنند تا آنان نیز به رفتارهای اشتباه مرد خرده نگیرند.^۱

^۱. رهبری، چند پرسش و پاسخ اساسی درباره حجاب، ص ۹۸.

نتیجه

با توجه به مطالبی که گذشت خداوند متعال جامع کمالات و صفات می باشد و از هر صفت خود، نمونه ای در وجود انسان قرار داده است. یکی از این صفات غیرت می باشد. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می فرماید: «خداوند غیور است و هر غیرت مندی را دوست دارد.» غیرت یکی از کمالات انسانی است که خداوند متعال، فطرتاً در وجود همه انسان ها و بندگان خود نهاده است. و این لازمه ی انسانیت و مخصوصاً ایمان و پرهیزگاری می باشد. صفتی است که به وسیله آن انسان از منافع و مقدّسات خود از قبیل فرزند، ناموس، عرض و آبروی خود و دیگران و دین و وطن خود دفاع می کند.

در لغت غیرت یعنی حمیت، رشک و حسد مردانه، به عبارتی انسان نسبت به محترّات و حریم ها و چیزهایی که مورد علاقه اش هست حساس باشد؛ نسبت به ناموس، وطن و دینش بی تفاوت نباشد و اگر غیر به حریم او تعرض کند، احساس مسئولیت کند و واکنش نشان بدهد. در مقابل به کسی که نسبت به این محترّات و حریم ها بی مبالا باشد و برایش تفاوتی نداشته باشد که با دین و وطن و ناموسش چه می کنند بی غیرت می گویند.

با توجه به فطری بودن غیرت و این که اسلام هم دینی است که براساس فطرت تشریع شده و امور فطری را تعدیل می کند، پی به این می بریم که وجود غیرت در جامعه ی انسانی تا آن جا ضروری و حیاتی است که شارع مقدّس اسلام در تشریع احکام نیز به آن عنایت داشته است.

در منابع اسلامی عواملی به عنوان خاستگاه و ریشه غیرت مطرح شده است. از جمله: حضرت علی (علیه السلام) ریشه غیرت را، شجاعت (ثمره الشجاعة الغیره)، ملا احمدنراقی شجاعت و قوّت - نفس، علامه طباطبایی فطرت، شهید مطهری احساس و عاطفه بشری می دانند.

با توجه به ریشه ها و نوع محبوبی که انسان در برابرش غیرت نشان می دهد اقسام غیرت پدید می آورد، از جمله: غیرت دینی: انسان، دین و دیانت را به عنوان چیزی محبوب و مورد علاقه خود به حساب آورده و آن گاه از حریم آن دفاع می کند و در مقابل حرمت شکنان و متجاوزان می ایستد. غیرت ملّی: مراد از آن احساس مسؤولیت در برابر تمامیت ارضی کشور اسلامی و دلسوزی و حمایت از مسلمانان و عزّت و شرف آنان است. پس وطن به عنوان محبوب مسلمان به حساب می آید. غیرت ناموسی: حمایت و حفاظت از ناموس، ارتباطی تنگاتنگ با شرف و مردانگی شخص مسلمان دارد و اسلام با تأکید از او خواسته که از ناموس خود و هم

کیشانش در برابر هر گونه گزند داخلی و خارجی به شدت دفاع کند و کم ترین مسامحه ای از خود بروز ندهد. در نتیجه ناموس انسان محبوب او بوده و باید در برابرش غیرت داشته باشد. بی غیرت بودن از صفات بسیار پست انسان ها است؛ چرا که چنین صفتی سبب رها شدن زن و دختر شده و باعث گسترش فحشا، منکرات، انحرافات جنسی و پیامدهای بسیار شوم آن خواهد شد. و نیز فرد بی غیرت از خداوند شرم نداشته در نتیجه نسبت به محارم خود محافظتی نکرده یا نسبت به محارم دیگران نیز پاک دامنی نخواهد کرد، یا این که نسبت به هر دو مورد کوتاهی خواهد کرد. با توجه به این، با گذر زمان و عواملی مانند: عدم اعتماد به نفس، تربیت نکردن خود و تربیت نکردن نفس، گوش دادن موسیقی و تماشای فیلم های مبتذل، اختلاط و شوخی بین زن و مرد نامحرم، نگاه به نامحرم، حرام خواری، خوردن گوشت خوک، اعتیاد و شرب خمر، جهل به احکام و دستورات اسلام، منفور جلوه دادن غیرت و هم نشینی با افراد بی غیرت، کمبود های شخصیتی، باعث کم رنگی غیرت مردان نسبت به همسران خود می شوند. در حالی که هدف از فطری شدن غیرت در مردان جلوگیری از مختلط شدن نسل ها و بی عفتی و بدحجابی زنان می باشد.

باید توجه شود که بیان عوامل کم رنگی غیرت به میزان گنجایش این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است. لذا پرداختن به این که چگونه می توان این غیرت فطری که خداوند در وجود مردان به ودیعه گذاشته تربیت و تقویت نمود تا انسان را به مدینه ی فاضله و سعادت برساند و نیز جامعه ای سالم و امن و کانون خانواده ای گرم برای انسان ها بسازد، جای بررسی دارد.

فهرست منابع و مآخذ

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- *نهج البلاغه، ترجمه ابوالحسن سید رضی.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۲. امام خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، ترجمه: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۳. بستان، حسین، **گامی به سوی علم دینی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۴. _____، **اسلام و تفاوت های جنسی در نهادهای اجتماعی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم دررالکلم**، ترجمه: جلال الدین محدث، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ترجمه: علی صحت، تهران: ناس، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۷. داوری دولت آبادی، عماد، **ترگل: بیست دلیل عقلی و روان شناسی برای حجاب**، تهران: انتشارات اعتلای وطن، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.
۸. دستغیب، عبدالحسین، **گناهان کبیره**، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۸ ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، **فرهنگ لغت دهخدا**، تهران: سیروس، بی جا، ۱۳۳۵ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: الدار الشامیه، ۱۴۱۶ ق.
۱۱. رهبری، روح الله، **چند پرسش و پاسخ اساسی درباره حجاب**، قم: پیام مقدّس، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. شعاری نژاد، علی اکبر، **فرهنگ و علوم رفتاری**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱۳. شعیری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، تحقیق: علاء آل جعفر، بیروت: موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. شکیبافر، عنایت الله، **دائرہ المعارف روان شناسی**، تهران: انتشارات فروغی، بی جا، ۱۳۶۳ ش.

۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، **تفسیرالمیزان**، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. طبرسی، علی بن حسن، **مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار**، ترجمه: مهدی هوشمند و عبدالله محمدی، قم: دارالثقلین، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرین**، تحقیق: احمد الحسینی، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **محجّه البیضاء فی تهذیب الأحياء**، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. قمی، عباس، **سفینه البحار**، ترجمه: علی نمازی شاهرودی، قم: اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. کلینی، محمدتقی بن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه: محمدباقر کمره ای، تهران: المکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۵۷ ش.
۲۲. مصطفوی، شیخ حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن کریم**، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. مطهری، مرتضی، **مسئله حجاب**، قم: انتشارات صدرا، چاپ صدو چهارده، ۱۳۹۶ ش.
۲۴. _____، **مجموعه آثار**، قم: انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. مظاهری، حسین، **اخلاق و جوان**، قم: انتشارات شفق، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. _____، **کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی**، ترجمه: محمد ابوالقاسمی و حمیدرضا آژیر، تهران: انتشارات ذکر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دو، ۱۳۷۴ ش.
۲۸. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، **ره توشه نوجوانان**، قم: انتشارات نجابت، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۹. نراقی، ملا احمد، **معراج السعاده**، قم: انتشارات هجرت، چاپ ششم، ۱۳۷۸ ش.
۳۰. نراقی، ملا مهدی، **علم اخلاق اسلامی ترجمه جامع السعادات**، ترجمه: جلال الدین مجتوبی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۳۱. _____، **جامع السعادات**، ترجمه: سید محمدکلانتر، بیروت: موسسه الأعلمی المطبوعات، چاپ چهارم، ۱۹۹۶ ق.